

ادامه از صفحه اول

زنان و حقوق مدنی برای نامزدی مجلس

... در تاریخ تحول و تکامل این اندیشه، نقش بزرگی ایفا کردند.

بررسی تحولات حقوق طبیعی نشان می‌دهد این نظریه، نخست، جست‌ه‌وگریخته در میان ملل و اقوام به صورت اخلاق اجتماعی رواج داشته و جزء معتقدات مردم بوده و بعد با ظهور ادیان، با افکار دینی و مذهبی درمی‌آمیزد. سپس در عصر رنسانس و رف‌رم‌های مذهبی در اروپا، با فرونشستن تعصبات مذهبی در برابر عقاید غیرمذهبی رنگ می‌بازد و جنبه علمی به خود می‌گیرد و این‌بار برپایه عقل از آن بحث و گفت‌وگو می‌شود. ولی هرگز از تکاپو بازمی‌ایستد و همواره در اشکال مختلف در خدمت بشر بوده است.

حقوق طبیعی یا اینکه کساکان به‌عنوان یک حقوق نظری، فاقد ضمانات اجرا و تکنیک حقوقی مورد بحث قرار دارد اما جزء اخلاق اجتماعی محسوب می‌شود و برای خود طرفدارانی دارد. اندیشه سیاسی غرب اکثراً متأثر از حقوق طبیعی بوده و هنوز هم این نظریه، الهام‌بخش حقوق موضوعه است. ملاحظات عدالت‌خواهی، حمایت از حقوق فردی، تساوی حقوق زن و مرد و تأکید بر آزادی بودن آن از هر نظر، همواره مورد استناد قانون‌گذاران قرار دارد.

باور مردم در این دوره‌ها این بوده که جامعه سیاسی، وسیله‌ای برای اداره راهبرد زندگی اجتماعی آنها و قدرتی که بر افراد اعمال می‌شود نتیجه قرارداد و توافق ضمنی افراد جامعه است که حالت طبیعی را ترک و به مدنیّت رو آوردند و چون منشا و سرچشمه قدرت سیاسی، خود مردمند، دولت باید حقوق آنها را محترم بشمارد و از قدرت خود در این مسیر استفاده کند.

انتخابات برای تعیین نمایندگان که قوانین را برحسب ضرورت‌ها پس از مطالعه و بررسی‌های لازم تصویب کرده و به تشخیص آحاد جامعه و بدون توجه به جنسیت، به مجالس قانون‌گذاری وارد می‌شوند موضوع روز جامعه بوده و برآمده از حقوق طبیعی است. در آثار فلاسفه سیاسی، جامعه مدنی به مفهوم جامعه‌ای است که در آن، تمامی شهروندان اعم از زن و مرد، آزادانه برای تشکیل یک جامعه قانونمند به توافق می‌رسند و افراد، در تعیین سرنوشت سیاسی خود آزادانه و برای تأمین امنیت و عدالت دورهم گرد می‌آیند و جامعه را برپایه قراردادی که به‌طور صریح یا ضمنی میان خود منعقد می‌کنند، قرار می‌دهند. اساس جامعه مدنی بر وفاق و رضایت همگانی است. از نظر مدافعان حقوق طبیعی، قرارداد اجتماعی یک فرضیه علمی و منطقی است که نارسایی‌های جامعه را برعلا می‌کرد و می‌توانست مقدمه اصلاح جامعه باشد. ازاین‌رو افراد این احساس را پیدا می‌کردند که دورهم جمع شوند و برای جامعه خود طرحی نو بریزند. در نظر آنها وفاق همه افراد بدون توجه به رنگ، دین، نژاد، جنس و... برای انعقاد یک پیمان بنیادی – که امروز از آن به نام قانون اساسی نام برده می‌شود- کلید حل تمام مشکلات زندگی اجتماعی تلقی می‌شود و هدف آنها از طرح این نظریه‌ها آن بود که قدرت را محدود کنند و آن را بر یک مبنای عقلانی، منطقی و قانونی منطبق با ضرورت زمان قرار دهند.

ادامه از صفحه ۱۶

تمرکزگرایی و اثر آن بر خلاقیت معلمان

این روزها مجموعه دولت یازدهم در حال تنظیم احکام برنامه پنج‌ساله ششم توسعه است. ماه‌های باقی‌مانده برای تدوین لایحه برنامه، فرصت بسیار مناسبی است در اختیار شورای‌عالی آموزش‌وپرورش، وزیر، مدیران ارشد و کارشناسان وزارت آموزش‌وپرورش و البته مسئولان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که چنانچه قصد جاری‌کردن تدبیر و عقلانیت در مدیریت کشور و به‌ویژه سازمان آموزشی کشور را دارند، به اصلاح ساختار سازمانی ناآرام‌کردن وزارت آموزش‌وپرورش در قالب احکام برنامه ششم بپردازند. آموزش‌وپرورش دست‌کم در سه زمینه نیاز به اصلاحات بنیادی دارد: کارآمدکردن سازمان موجود خود به‌عنوان نهاد مسئول برای تحقق هدف‌های کوتاه و بلندمدت آموزش در کشور؛ اتخاذ روش‌هایی برای افزایش کیفیت و انگیزه نیروی انسانی شاغل در این بخش و سوم، تغییر در روش‌های تعلیم و تربیت و به‌روکردن آنها.

بی‌تردید تمرکزگرایی و نگاه ستنی، موانع اصلی برای چنین تغییراتی است، اما پیش از این آنچه مهم است، وجود درک و اراده کافی برای ورود به این وادی دشوار، پرهزینه و زمان‌بر، اما ضروری است. حرکت در مسیر تمرکززدایی، مهم‌ترین کار برای بهبود کیفیت آموزش‌وپرورش و حتی توسعه کمی آن است. در شرایطی که سهم آموزش از تولید ناخالص داخلی بسیار ناچیز است، همین بودجه کم هم عادلانه توزیع و مدیریت نمی‌شود. ویژگی‌های جغرافیایی کشور و توزیع نامتعادل جمعیت در آن شکاف‌های عمیقی را میان استان‌های مختلف و حتی نقاط مختلف یک استان ایجاد کرده است.

شهرزاد همتی؛ شوان، پسری ۱۰ ساله و محصل بود.

پسری با ایده‌ها و آرزوهای کودکانه. آرزوهایش قطعاً بزرگ‌تر و بیشتر از دیگر هم‌کلاسی‌هایش در شهرستان اشنویه نبود. اما شاید دورازدست‌بودن آرزوها و رؤیایها او را به اندازه یک انسان به‌آخرخ‌رسیده بزرگ می‌کند. شوان درست در همان لحظاتی که می‌توانست خیره به تلویزیون خودش را جای شخصیت محبوب کارتونی‌اش تصور کند، طناب دار می‌بافت برای خودکشی و عاقبت خودش را حلق آویز کرد.

دلایل ضد و نقیضی برای این حادثه عنوان شده که برخی رسانه‌ها طلب‌کردن کمک‌های مردمی مدرسه را عامل آن اعلام کرده‌اند. در این‌باره گفته شده مبلغی که خانواده از پرداخت آن عاجز بوده‌اند و کودک با تهدید خانواده به خودکشی در صورت عدم تأمین این هزینه به اتقش پناه برده و در حال دست‌وپیچ‌ه نرم‌کردن با ترس حقاقت و تسخ‌رشدن توسط هم‌کلاسی‌هایش تصمیم می‌گیرد به زندگی‌اش خاتمه دهد. اگر چنین چیزی صحت داشته باشد، شاید شوان تمام این صحنه را برای ترساندن خانواده طراحی کرده بود. صحنه‌ای که متأسفانه واقعیت تلخی را تا اید در ذهن خانواده وی ثبت کرده است. هرچند مسئولان محل زندگی شوان این موضوع را در گفت‌وگو با «شرق» تکذیب می‌کنند.

در روزهای اخیر خبر وقوع دو خودکشی در بین کودکان باز هم آذهان عمومی را حساس کرده است. نخستین خبر، خبر خودکشی «شوان هاورى» کودک ۱۰ ساله اهل اشنویه (آذربایجان غربی) بود. پیکر بی‌جان این دانش‌آموز هنگامی توسط والدینش کشف شده که از کارگری در باغ‌های سیب حومه شهر به منزل بازگشته بودند؛ زمانی که برای نجات جان پسر حلق‌آویزشده‌شان بسیار دیر بود و فرزند ارشدشان از این جهان رخت بر بسته بود. اهالی محله تاج‌الدین که در دو ماه، شاهد دومین خودکشی کم‌سالان بوده‌اند، درباره علت خودکشی شوان می‌گویند که پدر او در مراسم تشییع فرزندش می‌گفته «صبح روز حادثه، به او و مادرش گفته بود که مدرسه برای خرید تجهیزات از همه دانش‌آموزان پول خواسته و اگر آنها این پول را ندهند، او خودش را خواهد کشت». تا این حدس و گمان به وجود آید که این درخواست برای پدر و مادر کارگر این دانش‌آموز سنگین بوده و در نتیجه آنچه نباید، روی داده است.

از رسانه‌ای‌شدن این خبر ساعتی نگذشته بود که خبر رسید اتفاقی مشابه در تهران روی داده و پسرپچه دبستانی دیگری (که ۱۰ساله و دانش‌آموز کلاس پنجم دبستان بوده) با حلق‌آویزکردن خود با روسری از میله بارفیکس، بدرد حیات گشته است؛ اتفاقی که در محله خلیج‌فارس رخ داده و علت وقوع آن توسط نیروی انتظامی در دست بررسی است.

آمارها نشان می‌دهد در ۹ ماه ابتدایی سال ۹۲ هرروز بیش از ۱۱ نفر در کشور مرگ مشکوک به خودکشی داشته‌اند. بر اساس آمار اعلام‌شده از سوی سازمان پزشکی قانونی کشور در ۹ ماهه سال گذشته سه‌هزارو۱۲۵ نفر خودکشی کرده‌اند. از میان این افراد، ۹۸۲ نفر زن و دوهزارو۱۴۳ نفر مرد بوده‌اند. بر همین اساس در مدت مشابه سال ۹۱ نیز دوهزارو۲۴۰ نفر به علت آنچه پزشکی قانونی آن را خودکشی تشخیص داده بود، جان خود را از دست داده‌اند.

دلیل خودکشی شوان مدرسه نبود
صحبت‌های فرماندار، مدیرکل روابط عمومی آموزش‌وپرورش و نماینده مجلس استان آذربایجان غربی و اشنویه کاملاً ماجرای خودکشی شوان به خاطر عدم تمکن مالی خانواده برای کمک به مدرسه را رد می‌کند.

اسدعه خضری، فرماندار شهرستان اشنویه در گفت‌وگو با «شرق» با اظهار تأسف از این اتفاق می‌گوید: «واقعیت این است که اصلاً بحثی درخصوص کمک به مدرسه در سطح شهرستان اشنویه نبوده است. هرساله این بحث وجود دارد و انجمن اولیا و مربیان تشکیل می‌شود، اگر در مدرسه‌ای مشکلاتی نظیر خرابی رادیاتورها وجود دارد و مدرسه به‌تنهایی توانایی تعمیر آنها را ندارد، از کسانی پول جمع می‌کنند که بنیه مالی دارند و اعلام آمادگی برای کمک به مدرسه می‌کنند. اما در شرایط فعلی حتی صحبت این مسئله هم نشده بود». خضری در ادامه با شرح این اتفاق می‌افزاید: «این کودک دو روز قبل از واقعه فیلمی می‌بیند که صحنه اعدام داشته و در طول دو روز این طنابی که خودش را سرانجام با آن حلق‌آویز می‌کند در دستانش بوده و این حرف را مادرش تأیید می‌کند.

بررسی دلایل اجتماعی خودکشی کودک ۱۰ساله در اشنویه

بازی تلخ خودکشی

شوان هر روز هزار تومان پول توجیبی از خانواده‌اش برای رفتن به مدرسه می‌گرفته است و آن روز طلب دوهزار تومان می‌کند و خانواده هم این پول را در اختیارش قرار می‌دهند. مادرش پیش از رفتن به باغ‌های مردم برای سیب‌چینی از شوان می‌خواهد بعد از تعطیلی مدرسه سری هم به مادربزرگش بزند. یعنی همه چیز عادی اتفاق افتاده است. اما بعدازظهر که آنها به خانه می‌رسند، با دردناک‌ترین تصویر عمرشان روبه‌رو می‌شوند». فرماندار اشنویه با ابراز تأسف از شایعات پیش آمده می‌گوید: «خانواده داغدار شوان دلگیرند از شایعات مبنی بر عدم توانایی خانواده برای تأمین فرزندانشان. پدر او مردی جوان و فهمیده است و امروز به دفتر من آمده بود و می‌گفت درست است که کارگر است اما تمام نیازهای فرزندش را تأمین می‌کرده است». وی در پایان نیز تصریح می‌کند: «مدرسه‌ای که شوان در آن تحصیل می‌کرده است جزء مناطق محروم و حاشیه‌ای شهر است و کلاً بحث کمک به مدرسه در آن منتفی است».
محمّدپور مدیرکل روابط عمومی آموزش‌وپرورش استان آذربایجان غربی نیز با تکذیب ادعای برخی رسانه‌ها درباره دلیل خودکشی شوان به «شرق» می‌گوید: «این حادثه خارج از محدوده آموزش‌وپرورش و در خانه دانش‌آموز رخ داده است و هیچ ربطی به آموزش‌وپرورش ندارد. این کودک با دیدن یک فیلم دست به اقدامی هیجانی‌زده و ادعای برخی سایت‌ها که می‌گویند مدرسه این کودک را تحت فشار قرار داده، کاملاً ساختگی است. این سایت‌ها درباره طرح کرامت صحبت کرده‌اند و می‌باید بگویم شوان دانش‌آموز کلاس ششم ابتدایی بود و اصلاً مشغول این طرح نمی‌شد».

عبدالکریم حسین‌زاده، نماینده مردم نقده و اشنویه هم با تأیید سخنان مسئولان این شهرستان به «شرق» می‌گوید: «خانواده کارگرهای ایرانی حتی اگر پولی نداشته باشند آن‌قدر مناعت طبع دارند که کودکانشان را در شرایط روانی بد قرار ندهند. مدرسه‌ای که این کودک در آن درس می‌خوانده و دانش‌آموزان آن، نیز گواه هستند که اصلاً بحث کمک به دبستان وجود نداشته است. مدیر این

مدرسه ۱۵ سال است که مدیریت آن را برعهده دارد و این‌نکته را باید در نظر داشت که در تمام این سال‌ها هرگز دانش‌آموزان خود را برای دریافت مبالغ مختلف تحت فشار قرار نداده‌اند.»
تحقیق‌شدگی عامل خودکشی کودکان است
محمّدامین قانع‌ری‌راد، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این سؤال که طی چه فرایندی یک کودک ۱۰ ساله به خودکشی فکر می‌کند، می‌گوید: «در صورتی که دلیل خودکشی این کودک عدم توانایی در پرداخت کمک به مدرسه باشد، مسئله تحقیرشدگی زیاد بوده است. کودکی که در بین هم‌کلاسی‌های خودش به‌طور مکرر تحقیر شده، چون توانایی مالی کمک به مدرسه را نداشته است، به‌تدریج اعتمادبه‌نفس خود را از دست می‌دهد. انسانی که در بین دیگران منزلت اجتماعی نداشته باشد، به یک نوع مرگ اجتماعی دچار می‌شود. هرکسی که منزلت اجتماعی دارد و همین احساس زندگی به آنها می‌دهد، یعنی نگاه دیگران روی افراد مهم است. موقعی که فرد احساس می‌کند نگاه به وی تحقیرآمیز است اقدام به خودکشی می‌کند». این جامعه‌شناس در ادامه می‌افزاید: «بأس و افسردگی و اضطراب و احساس عدم امنیت همراه حس تحقیر به فرد مسئولی می‌شود و چنین فردی با مرگ اجتماعی فاصله ندارد و خود را مجبور به حذف فیزیکی می‌کند». وی در ادامه درباره دلیل میزان بیشتر خودکشی در شهرهای کوچک تصریح می‌کند: روی این افراد فشار اجتماعی بیشتری است. کنترل اجتماعی در شهرهای کوچک بیش از شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد. شما در شهر بزرگ همسایه‌ات نمی‌شناسی، حتی در محیط کارت ممکن است کسی را نشناسی. ولی در شهرهای کوچک افراد بیشتر شناخته می‌شوند و بیشتر زیر ذره‌بین هستند و این باعث می‌شود که از یک طرف مردم خونگرم‌تری باشند و از طرف دیگر همین روابط گرم و صمیمانه ممکن است فشار عاطفی بیشتری را روی افراد بگذارد....

هر چند ایران در بین کشورهای دنیا در زمینه خودکشی توسط برخی از ارائه‌دهندگان آمار رتبه ۴۸ و برخی دیگر رتبه ۵۸ را دارد، اما درعین‌حال نمی‌توان از این آمار بالای خودکشی در کشور گذشت. البته این نکته را در ذکر این آمار باید درنظر گرفت که آمار درج‌شده جدا از تعداد افرادی است که روزانه پس از اقدام به خودکشی، به کمک پزشکان نجات پیدا می‌کنند.

او تأکید دارد که این برج متحرک حمال در واقع همچون شمشیری بالای سر پروژه، عوامل آن و مردم اطراف آن است اما در نهایت بی‌دقتی با آن برخورد می‌شود.

دبیر انجمن سازندگان تجهیزات صنعتی ایران بر کیفیت ساخت تاورها توسط سازندگان داخلی با استنادردهای روز دنیا تأکید دارد و می‌گوید: آنچه سازندگان داخلی می‌سازند و تحویل می‌دهند اشکالی ندارد اما مسئله اینجاست که این تجهیزات باید برای هر بار پروژه جدید، مجدد بازرسی و به‌روز شوند اما این اتفاق رخ نمی‌دهد. مثال این موضوع هم ساده است، اگر یک خودرو بنز را پس از تحویل کمپانی دستکاری کنند و پیچ و مهره آن را عوض یا تخریب کنند و خودرو چپ کند، نباید به آن برند ایراد گرفت. من اعضایی را در میان سازندگان تجهیزات تاورها می‌شناسم که با کشورهای اروپایی کار می‌کنند و سابقه خوبی دارند و نمی‌توان ایراد کار را به آنها وارد کرد.

باغبان‌زاده اضافه کرد که معمولاً خود پیمانکاران در پروژه‌های ساختمانی و صنعتی، تاور را هم می‌آورند و عموماً مسئولیت تاورها با خود پیمانکار است و اشکال کار هم از همین‌جا پیش می‌آید که پیمانکاران رژیم حقوقی و سازمان اجرایی پروژه را رعایت نمی‌کنند و در عین حال ارگان‌های نظارتی و بیمه‌ها هم به وظیفه خود نمی‌پردازند.

او به «شرق» گفت: از نظر سیستم سازه‌ای تاورهای ایرانی کیفیت قابل قبولی دارند. اما بسیاری از تاورهای فعال در شهرها از جمله تهران به‌خصوص در سال‌های تحریم، چینی هستند. البته بسیاری از پیمانکاران، تاورهای موجود در مزایده‌های داخلی و خارجی را خریداری می‌کنند و ممکن است حتی تجهیزات و سیستم داخلی آن را بازبینی نکرده و یکباره به کار بگیرند.

مراجعه به سایت آتش‌نشانی نشان می‌دهد در کمتر از شش ماه اخیر حداقل هفت مورد حادثه بزرگ که یک طرف ماجرا یک تاور غول‌پیکر بوده، ثبت شده است. در آخرین مورد، اتفاقاتی از این دست که در اتوبان نیایش رخ داد، یک نفر هم فوت کرد. هیچ یک از این تاورها در اثر وزش باد شدید و توفان و زلزله و سایر حوادثی که ما همیشه در تهران منظر وقوعشان هستیم، رخ نداده است. خطا یا بی‌توجهی عمدی یا غیرعمدی مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد و افزایش این شرایط نقش اصلی را داشته و تجربه نشان داده که این عوامل انسانی که حاصل دست خود ما است، می‌تواند با تدبیر و توجه برطرف شود. تهرانی که از شمال تا جنوب و از شرق تا غربش را داریم می‌سازیم و روی هم سوار می‌کنیم باید برای خود ما یعنی هم داشته باشد و از آسمانش جرقه‌یل نیارد.

خبر

کرده‌افشانی گونه‌های گیاهی عامل تنگی نفس خوزستانی‌ها

● **شرق:** رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در کانال خود در تلگرام در رابطه با عامل احتمالی بروز مشکل تنفسی برای اهالی خوزستان نوشت: «با توجه به بررسی‌های مختلف روی این بیماران، آلاینده‌های هوای استان و زمان وقوع تنگی نفس، به نظر می‌آید گزینه کرده‌افشانی گونه‌های گیاهی خاص قوت بیشتری پیدا کرده است». ادامه نوشته رئیس سازمان محیط‌زیست در این باره به این شرح است: چند روزی است که درگیر موضوع مشکل تنفسی هموطنان خوزستانی هستیم. در پیگیری‌ها با معاون محیط‌زیست انسانی و مدیرکل حفاظت محیط‌زیست خوزستان به توجّه به نتایج دستگاه‌های پایش آلودگی هوا مسئله باران اسیدی مورد تأیید قرار نگرفته، چرا که این باران‌ها عادی است». ستاد بحران خوزستان پنجشنبه‌شب (هفت آبان) تشکیل جلسه داد. مهندس لاهیجان‌زاده، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان، در این جلسه توضیح داد که بعد از هشدار هواشناسی درباره بارندگی، آمادگی دستگاه‌های سنجش آلودگی هوا در استان و نیروهای کشیک، در برنامه قرار گرفته است. این دستگاه‌ها مواردی مانند دی‌اکسیدگوگرد، ترکیبات ازت، ترکیبات هیدروکربوری، ازن و غبار را اندازه‌گیری می‌کنند. اما نتایج آزمایش باران‌های اخیر، این نوع آلودگی‌ها را در شرایط ناسالم نشان نداده است. ظاهراً در جلسه مطرح شد که در سال ۹۲ حدود ۲۲هزار نفر و در سال گذشته نیز حدود ۱۶هزار نفر به دلیل تنگی نفس به مراکز درمانی مراجعه کرده‌اند و گزارش دانشگاه علوم پزشکی نشان می‌دهد که عمده مراجعان، سابقه بیماری تنفسی و آلرژی داشته‌اند. متأسفانه علت اصلی بروز تنگی نفس در خوزستان تاکنون قطعی نشده است. پس از مشکل سال ۹۲، سازمان حفاظت محیط‌زیست با همکاری وزارت نفت فراوری حدود ۳۰هزار بشکه نفت سنگین و ترش در داخل شهر اهواز را متوقف کرد تا شاید این مشکل تنفسی پایان یابد. به‌طورکلی ۱۸ گزینه به‌عنوان علت این عارضه مطرح و مورد بررسی بوده که در نهایت چهار مورد از آنها شامل آلودگی فلزهای نفتی (دودکش)، سوزاندن مزاح نشیکر، سوزاندن لاستیک و زباله و کرده‌افشانی گیاهان از عوامل قرار گرفته است. در مجموع و با توجه به بررسی‌های مختلف روی این بیماران، آلاینده‌های هوای استان و زمان وقوع تنگی نفس، به نظر می‌آید گزینه کرده‌افشانی گونه‌های گیاهی خاص قوت بیشتری پیدا کرده است. احتمال آن هست که درختچه کنارآب‌پوس که در سطح شهرهای خوزستان به وفور کاشته شده، مسبب این مشکلات باشد. تنگی نفس در زمان بارندگی ماه‌های آبان و آذر رخ می‌دهد و در ماه‌های دیگر شاهد این نوع عارضه نیستیم. هواشناسی خوزستان هم اعلام کرده که بارندگی در این چند روز آزمایش شده و آنالیز آن نشان می‌دهد که باران اسیدی نبوده است. در هر حال با همکاری وزارت بهداشت به جد پیگیری شناسایی علت این تنگی نفس هستیم تا بتوانیم آن را به‌طور ریشه‌ای حذف کنیم. در مورد هوای خوزستان اقدامات دیگری هم صورت گرفته که به‌زودی اعلام می‌شود».

ادامه از صفحه ۱۶

درباره مهریه

قطعا مهریه یکی از قوانین موجود و ناعادلانه در سیستم حقوقی است و باید از قانونگذار و مجریان قانون که مصرانه در تلاش هستند یکی از مصادیق تبعیض در سیستم حقوقی را حذف کنند. تقدیر کرد، اما سؤال اصلی آنجاست که چرا چنین اراده قوی و انگیزه بالایی برای رفع صدها مصداق بارز تبعیض علیه زنان ایجاد نمی‌شود؟! امام باقر(ع) فرموده‌اند: «الصدق ما تراضا علیه قل او کثر» یعنی آنچه طرفین ازدواج به آن راضی می‌شوند کم باشد یا زیاد همان خواستیدنی زنی را رها کرده و زنی دیگر به جای او اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده‌اید، البته نباید چیزی از او باز گیرید آیا به‌وسیله همت‌زدن به زن، مهر او را می‌گیرند و این گناهی فاش و زشتی این‌کار آشکار است». بنابراین مشخص است که مهریه سنگین نه در قانون و نه در شرع مهریه باطلی نیست و هیچ محدودیتی هم برای آن وجود ندارد، مگر آنکه فقها بخواهند و بتوانند از اصول فقهی برای استخراج قاعده‌ای متناسب با شرایط امروز استفاده کنند. بنابراین سخن‌گفتن از ابطال مهریه سنگین در سیستم قضائی حال حاضر، ما، جایی ندارد و شاید بر اساس نظر مشهور فقها، خلاف شرع نیز خوانده شود، اما غیرمخالفت با شرع و قانون شنیده نمی‌شود. هدف این نوشته نه دفاع از اصول فقهی است و نه دفاع از مهریه‌های موسوم به نامتعارف. اما مهم است که باور داشته باشیم، چه بخواهیم و چه نخواهیم، مهریه در سیستم حقوقی ما تنها پشتوانه قانونی زنان است. پشتوانه‌ای که اتفاقاً برخلاف ظاهرش، پشتوانه مالی نیست بلکه کارایی آن در اکثر موارد رساندن زنان به سایر حقوق بدیهی است که از آنها سلب شده است، حقوقی مانند طلاق یا حضانت. اگر قرار است مهریه از سیستم حقوق خانواده حذف شود، باید سایر تبعیض‌های قانونی نیز حذف شود، نه اینکه زنان بی‌هیچ پشتوانه‌ای رها کنیم و تنها نگران مردان خانواده باشیم که مبدا تبعیضی قانونی علیه‌شان روا داشته شود.